



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

باشد آن الفاظ مربوط به مقابله و گفتگوی مقدماتی قبل از بیع می باشند نه خود صیغه بیع .

خوب حالا ما باید این مسئله را بررسی کنیم و برای این کار دو راه پیش رو داریم ؛ اول اینکه بیع در بین اهل عرف و عقلاء شایع و رایج است و وقتی مراجعه می کنیم می بینیم که سیره اهل عرف و عقلاء بر این است که الفاظ مختلفی مثل ماضی و مضارع و امر در صیغه عقد بیع بکار می برند ، و دوم اینکه عموماً و اطلاقات ما مثل : أحل الله البیع و أوفوا بالعقود شامل تمامی الفاظ مذکور می شوند لذا اینکه بگوئیم صیغه عقد منحصرأ باید ماضی باشد بر خلاف سیره عقلاء و عرف و بر خلاف عموماً و اطلاقات أدله می باشد ، و اما ادعای مقابله و گفتگوی قبل از بیع در مورد الفاظ غیر از ماضی که در روایاتمان آمده نیز صحیح نیست زیرا در روایاتمان اهل بیت(ع) طریقه خواندن صیغه حتی در نکاح را به ما یاد داده اند و بعد لفظ مضارع بکار برده اند بنابراین بهترین راه برای حل این مسئله رجوع به روایاتمان می باشد .

خبر اولی که در این رابطه وجود دارد خبر ۱ از باب ۳ از ابواب بیع شمار می باشد که در ص ۹ از جلد ۱۳ و سائل ۲۰ جلدی واقع شده است ، خبر این است : « مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ بَيْعِ الثَّمَرَةِ هَلْ يَصْلُحُ شِرَاؤُهَا قَبْلَ أَنْ يَخْرُجَ طَلْعُهَا فَقَالَ لَا إِلَّا أَنْ يَشْتَرِيَ مَعَهَا شَيْئًا غَيْرَهَا رَطْبَةً أَوْ بَقْلًا فَيَقُولُ أَشْتَرِي مِنْكَ هَذِهِ الرُّطْبَةَ وَ هَذَا النَّخْلَ وَ هَذَا الشَّجَرَ بِكَذَا وَ كَذَا فَإِنْ لَمْ تَخْرُجِ الثَّمَرَةُ كَانَ رَأْسُ مَالِ الْمُشْتَرِي فِي الرُّطْبَةِ وَ الْبَقْلِ الْحَدِيثَ » . همانطور که می بینید در این خبر لفظ مضارع بکار برده شده .

خبر دوم خبر ۱۰ از باب ۸ از ابواب مزارعة می باشد که در ص ۲۰۱ از جلد ۱۳ و سائل ۲۰ جلدی واقع شده است و در آن لفظ مضارع بکار رفته است ، خبر این است : « وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ خَالِدِ بْنِ جَرِيرٍ عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ الشَّامِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يَزْرَعُ أَرْضَ رَجُلٍ آخَرَ فَيَشْتَرِطُ عَلَيْهِ تُلْنَا لِلْبَذْرِ وَ تُلْنَا لِلْبَقْرِ فَقَالَ لَا يَنْبَغِي أَنْ يُسَمَّى بَذْرًا وَ لَا بَقْرًا وَ لَكِنْ يَقُولُ لِصَاحِبِ الْأَرْضِ أَرْضِي أَرْضِي فِي أَرْضِكَ وَ لَكَ مِنْهَا كَذَا وَ كَذَا نِصْفٌ » .

بحث در این بود که فقط لفظ ایجاب در عقد رکن می باشد ، لفظ ایجاب گاهی به شکل ماضی است مثل بعثت و گاهی مضارع است مثل أبيعك و گاهی امر است مثل بع هذا و گاهی ممکن است اسم فاعل باشد مثل أنا بايع لذلك که وقوع ایجاب به تمام اینها صحیح می باشد .

شیخ انصاری(ره) در مکاسب فرموده مشهور آن است که لفظ ایجاب باید ماضی باشد و بعد کلامی را از علامه در تذکره نقل می کند ، علامه در تذکره جلد ۱۰ ص ۸ فرموده : « الثانی : الإتیان بهما بلفظ الماضی فلو قال أبيعك أو قال أشتري لم يقع إجماعاً لإنصافه إلى البعد » و همچنین علامه در مختلف الشیعه جلد ۵ ص ۵۳ فرموده : « و لو أتى بلفظ الأمر أو الإستفهام لم يقع إختاره الشيخ وابن حمزه » .

در میان متأخرین مرحوم نائینی در منیة الطالب فرموده : در بیع صیغه باید ماضی باشد زیرا ماضی بر تحقق مبدأ دلالت دارد اما مضارع بر ترغیب دلالت دارد و در بیع در مقام إنشاء باید لفظی را بگوئیم که دلالت بر تحقق داشته باشد (مرحوم آخوند در اوایل کفایه بحثی را در مورد فعل ماضی مطرح کرده و فرموده فعل ماضی دال بر زمان نیست بلکه فقط بر تلبس آن فاعل به آن مبدأ دلالت دارد زیرا اگر دال بر زمان باشد نباید در مورد خدا بکار برود : « كان الله لم يكن معه الشيء » چرا که خداوند منزّه از زمان می باشد پس زمان در افعال مأخوذ نیست بلکه فقط برای بیان مطلب می باشد) خلاصه اینکه مرحوم نائینی می فرماید چونکه فعل ماضی دلالت بر تحقق مبدأ دارد و مضارع صریح در تحقق نیست و تنها دال بر وعد و ترغیب و انتظار تحقق مبدأ می باشد لذا إنشاء صیغه عقد باید به لفظ ماضی باشد ، ایشان در ادامه می فرماید اگر در جایی از روایات ما غیر از لفظ ماضی بکار رفته

أَوْ ثُلُثٌ أَوْ مَا كَانَ مِنْ شَرْطٍ وَلَا يُسَمَّى بَدْرًا وَلَا بَقْرًا فَإِنَّمَا يُحْرَمُ الْكَلَامُ» .

خبر سوم خبر ۲ از باب ۹ از ابواب مساقات می باشد که در ص ۲۰۲ از جلد ۱۳ و سائل ۲۰ جلدی واقع شده است و در آن فعل امر بکار رفته است ، خبر این است : « مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَدِيثٍ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ يُعْطَى الرَّجُلَ أَرْضَهُ وَفِيهَا مَاءٌ أَوْ نَخْلٌ أَوْ فَكِهَةٌ وَ يَقُولُ اسْقِ هَذَا مِنَ الْمَاءِ وَ اعْمُرْهُ وَ لَكَ نِصْفُ مَا أُخْرِجَ قَالَ لَا بَأْسَ » .

خبر چهارم خبر ۱ از باب ۱۱ از ابواب عقدالبیع می باشد که در ص ۲۶۲ از جلد ۱۲ و سائل ۲۰ جلدی واقع شده و در آن فعل مضارع بکار رفته است ، خبر این است : « مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ رِفَاعَةَ النَّخَّاسِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى ع قُلْتُ لَهُ أَيُصْلِحُ لِي أَنْ أُشْتَرِيَ مِنَ الْقَوْمِ الْجَارِيَةَ الْآبِقَةَ وَ أُعْطِيَهُمُ الثَّمَنَ وَ أَطْلُبَهَا أَنَا قَالَ لَا يُصْلِحُ شِرَاؤُهَا إِلَّا أَنْ تُشْتَرِيَ مِنْهُمْ مَعَهَا ثَوْبًا أَوْ مَتَاعًا فَتَقُولَ لَهُمْ أُشْتَرِيَ مِنْكُمْ جَارِيَتَكُمْ فَلَانَةَ وَ هَذَا الْمَتَاعُ بَكَذَا وَ كَذَا دِرْهَمًا فَإِنَّ ذَلِكَ جَائِزٌ » .

خبر پنجم خبر ۲ از باب ۸ از ابواب عقد البیع می باشد که در ص ۲۵۹ از جلد ۱۲ و سائل ۲۰ جلدی واقع شده و در آن فعل امر بکار رفته است ، خبر این است : « وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَخِيهِ الْحَسَنِ عَنْ زُرْعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ اللَّبَنِ يُشْتَرَى وَ هُوَ فِي الضَّرْعِ فَقَالَ لَا إِلَّا أَنْ يَجْلِبَ لَكَ مِنْهُ سُكْرُجَةٌ فَيَقُولَ اشْتَرِ مِنِّي هَذَا اللَّبَنِ الَّذِي فِي السُّكْرُجَةِ وَ مَا فِي ضُرُوعِهَا بِثَمَنِ مُسَمًّى فَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِي الضَّرْعِ شَيْءٌ كَانَ مَا فِي السُّكْرُجَةِ » .

خبر ششم خبر ۱ از باب ۱۴ از ابواب احکام عقود می باشد که در ص ۳۸۵ از جلد ۱۲ و سائل ۲۰ جلدی واقع شده و در آن فعل مضارع بکار رفته است ، خبر این است : « مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادِ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَدِمَ لِي مِتَاعٌ مِنْ مِصْرٍ فَصَنَعَ طَعَامًا وَ دَعَا لَهُ التُّجَّارَ فَقَالُوا نَأْخُذُ مِنْكَ بِدِهٍ دَوَاذِدَةٍ قَالَ لَهُمْ أَبِي وَ كَمْ يَكُونُ

ذَلِكَ قَالُوا فِي عَشْرَةِ آلَافٍ أَلْفَيْنِ فَقَالَ لَهُمْ أَبِي فَإِنِّي أُبِيعُكُمْ هَذَا الْمَتَاعَ بِأَثْنَيْ عَشَرَ أَلْفًا فَبَاعَهُمْ مُسَاوِمَةً » .

آخرین خبری که ما می خوانیم خبر ۹ از باب ۱۱ از ابواب بیع ثمار می باشد که در ص ۲۲ از جلد ۱۳ و سائل ۲۰ جلدی واقع شده که در آن فعل مضارع بکار رفته است ، خبر این است : « وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَضْرٍ عَنْ مُثَنَّى الْحَنَاطِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي زَرْعٍ بِيَعٍ وَ هُوَ حَشِيشٌ ثُمَّ سَنَبَلُ قَالَ لَا بَأْسَ إِذَا قَالَ أَتْبَاعُ مِنْكَ مَا يَخْرُجُ مِنْ هَذَا الزَّرْعِ فَإِذَا اشْتَرَاهُ وَ هُوَ حَشِيشٌ فَإِنْ شَاءَ أَغْفَاهُ وَ إِنْ شَاءَ تَرَبَّصَ بِهِ » .

همانطور که ملاحظه می کنید در روایاتمان فعل مضارع و امر نیز در صیغه عقود بکار رفته است لذا محدود کردن صیغه عقود به ماضی صحیح نیست و با اخبار ما جور در نمی آید بعلاوه وقتی به عرف نیز مراجعه می کنیم می بینیم که در معاملاتشان صیغه های مضارع و امر و حتی گاهی اسم فاعل نیز بکار می برند و ما نیز تابع روایات و سیره عرف و عقلاء می باشیم ، بنابراین مطلب برای ما روشن است ، بقیه بحث بماند برای جلسه بعد ان شاء الله ...

والحمد لله رب العالمين اولاً و آخراً و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين